

وقتی تجردگرایی حریم خانواده را می‌شکند

با تغییر زندگی از سنتی به صنعتی خانواده ایرانی دستخوش ناملایمات مدرنیته قرار گرفته و ترویج فرهنگ زندگی در خانه‌های مجردی خطری برای این حریم محسوب میشود.



با تغییر زندگی از سنتی به صنعتی خانواده ایرانی دستخوش ناملایمات مدرنیته قرار گرفته و ترویج فرهنگ زندگی در خانه‌های مجردی خطری برای این حریم محسوب میشود.

در جامعه سنتی ایران، خانواده از واحدهای بنیادین جامعه و خانه محور اصلی یکپارچگی افراد به حساب می‌آمد به همین دلیل سابق بر این در طراحی و ساخت خانه به ارزش‌های بنیادین خانواده توجه خاصی می‌شد به گونه‌ای که مفهوم خانه بسیار گسترده‌تر از مکان خصوصی محض بود و خانه حریمی مقدس بود که باید از دید نامحرم محفوظ می‌ماند.

ورودی خانه معماری خاصی را برای تأمین اهداف و حفظ سنت‌ها به خود اختصاص می‌داد و نسبت به نیازهای اهل خانه و سبک زندگی دقت لازم در به کارگیری مصالح و طراحی‌های آن صورت می‌گرفت به عنوان مثال برخی اصولی که باید در طراحی ورودی خانه مورد توجه قرار می‌گرفت عبارت بود از حفظ حریم خانه، اجازه ورود طی فرآیندی تدریجی، فرآیند ورودی که بیانگر تواضع بود، کنترل ورود غیر مستقیم و نهایتاً نمای خانه در محله متمایز بود.

تمامی این فرایندها نشان‌دهنده ارزشی بود که به کانون خانواده و اعضای آن داده می‌شد اما رفته رفته با تغییر خانواده از قالب گسترده به هسته‌ای و تبدیل سبک زندگی از سنتی به صنعتی، بافت معماری ایرانی نیز تحت شعاع قرار گرفت و خانه ایرانی نیز دستخوش ناملایمات مدرنیته قرار گرفت؛ فاصله گرفتن از آداب و سنن راه را برای الگوهای غربی هموار کرد و به جای حفظ و نگهداری از فرهنگ اصیل ایرانی و روابط سالم خانوادگی، دلباخته رنگ و لعاب‌های فرهنگ بیگانه و نوظهور غربی‌ها شدیم.

حتی برای از دست دادن ارزش‌ها و سنت‌های اصیل ایرانی، سرعتی چند برابر تکنولوژی روز را به کار بستیم به گونه‌ای که برخی از ما با ژست روشن‌فکری باورها و اعتقاداتمان را به سخره گرفته و سعی بر مدفون کردن آنها کردیم.

رؤیت خانه‌های قدیم ایرانی گویای جذابیت و آرامش خاطر برای اعضای خانواده قلمداد می‌شود؛ خانه‌هایی که با عبور از هشتی به حیاط بیرونی و از طریق راهرویی طویل به حیاط اندرونی راه می‌یافت و این نوع طراحی که مانع از دید مستقیم از حیاط بیرونی به حیاط اندرونی می‌شد؛ آئینه تمام نمای حجب و حیای ایرانی بودن را بیان می‌کرد.

تردیدی در این نیست که با رشد صنعت، جمعیت و فضای زیادی که این سبک خانه‌ها به خود اختصاص می‌دادند، نوع و سبک معماری تغییر پیدا نکند اما ما نیز همت مضاعف گماشته و گام را در مسیری برداشتیم که جز ویرانی اصالت‌های ایرانی خودمان فرجامی نخواهد داشت.

محدودیت اراضی قابل ساخت، افزایش بهای زمین‌های مرغوب، افزایش هزینه‌های ساخت، بُعد غیر قابل پذیرش مسافت و تردهای لازم روزانه، مشکلات ارائه خدمات، توسعه شبکه‌های خدماتی مانند خیابان، آب و برق و سایر تصمیم‌های سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان موجب رشد عمودی شد از این رو شاهد الگوی دیگری از غرب، بی‌آنکه با فرهنگ شهرنشینی گذشته همخوانی و انطباق کافی داشته باشد، به همت فرنگی‌مآب‌های پایتخت برگزیده شد.

نخستین گامی که می‌توانست حریم خانه ایرانی را بشکند ایجاد آشپزخانه‌های اوپن بود که به دلیل پنداشتن نوعی کلاس، متقاضی آن شدیم که زن‌هایمان در محلی که باید با آرامش و به‌راحتی آشپزی کنند در جلوی دید انظار قرار بگیرند و سبک و سیاق خانه را به بیان اینکه مد روز این را می‌پسندد، آرایش دادیم؛ به بیان دیگر با آن خانه‌هایی که درهای ورودی دو لنگه چوبی داشتند فرسنگ‌ها فاصله گرفته‌ایم (هر لنگه کوبه‌ای داشت؛ زن‌ها حلقه‌ای که صدای زیر داشت را به صدا در آورده و مردها کوبه چکشی شکل که صدای بمی داشت را به صدا در می‌آوردند).

نهایتاً فرهنگ مخرب تک‌زیستی که تیری بر نهاد خانواده پرتاب کرده است در قالب زندگی‌های مجردی به جامعه ایرانی نیز ورود پیدا کرد که به دلایل مختلف از جمله نفوذ با شتاب فرهنگ غرب از طریق تکنولوژی روز، شکاف نسلی، تأخیر در سن ازدواج و در این میان بی‌توجهی مسئولان امر، عدم استقبال جوانان از تشکیل خانواده، افزایش آمار طلاق، زندگی ماشینی و خلأ معنوی و اعتقادی به وجود آمده است بنابراین همه این عوامل دست به دست هم داده و شرایطی را فراهم ساخته‌اند تا تجردگرایی در بین جوانان ایرانی نیز گسترش پیدا کند.

هم اکنون تب تند استقلال در قالب خانه‌های مجردی روند رو به رشدی را داراست که علاوه بر پایتخت به مراکز استان‌ها نیز کشیده شده است و پیامد آن زنگ خطری برای فروپاشی نهاد خانواده است که متأسفانه به دلیل رشد زیرزمینی و عدم دغدغه مسئولان فرهنگی آمار مشخصی در دست نداریم.

تفکر تجردگرایی معضلاتی را به همراه می‌آورد که امروزه اروپا و غرب با آن دست و پنجه نرم می‌کند؛ ایجاد ارتباطات نامشروع و ناصحیح، به جا ماندن فرزندان نامشروع و هزاران معضلات روحی و فرهنگی که جامعه غرب را با بحران هویت مواجه کرده است بنابراین گرفتار شدن جامعه ما نیز به بحران هویت محقق شدن اهداف دشمنان است چرا که وقتی هویت ایرانی و اسلامی کشورمان از دست برود زمینه‌های تسلط آنان بر کشور فراهم می‌شود.

هم‌اکنون رواج تفکر تجردگرایی، غرب را با پوچی مواجه کرده است به گونه‌ای که هویت‌های نامعلوم اعتبار جامعه غرب را زیر سؤال می‌برد بنابراین بحرانی شدن این موضوع برنامه‌ریزان غربی را واداشته تا تمام تلاش خود را برای احیای نهاد خانواده به کار بندند.

از این رو دشمنان با توجه به کینه‌ورزی‌های همیشگی خود نسبت به جامعه و مردم ایران درصدد تخریب روابط اجتماعی ایران برآمدند و خانواده ایرانی که عنصر مهر و الفت در سراسر جهان قلمداد می‌شود را مورد هجمه خود قرار داده‌اند در این میان از تمام توان، انرژی و سرمایه خود بهره برده تا جوان ایرانی را در گرداب بی‌هویتی که نمادی از جامعه خودشان است، گرفتار کنند.

بنابراین جای تأمل است تا مسئولان امر خصوصاً آن دسته از مسئولانی که نهادهای فرهنگی کشور را در دست دارند، توجه بیشتری نسبت به توانمندی‌های بالقوه جوان ایرانی داشته باشند و برای این معضل رو به رشد در جامعه فکری اساسی بیندیشند.

یادداشت از مریم رحمانی